

افزایش کارآیی تجاری تازه‌ترین شیوه خلق مزیت نسبی است

اشاره:

رقابت در عرصه بین‌المللی تجارت کالا و تبادل خدمات روزبه‌روز فشرده‌تر می‌شود. طبیعی است که متقاضیان کالاها و خدمات ترجیح می‌دهند نیازهای خود را با کیفیت مناسب و قیمت کمتر اکتیاب نمایند. از آنجا که دوران کنونی به لحاظ وفور عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات، دوره‌ی مشتری‌سالاری می‌باشد، تولیدکنندگان کالاها و خدمات برای تداوم بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی خود به رقابتی فشرده برای کسب مشتری وارد شده‌اند و آن گروه که قادر باشند با بهای کمتر به عرضه کالاها و خدمات موردنیاز مشتریان بپردازند، در این رقابت پیروز می‌شوند. از این رو تلاش برای کاهش هزینه‌های تمام شده کالاها و خدمات یکی از وظایف اصلی مدیران بنگاه‌های اقتصادی است. البته پیشرفت علم، دانش و فناوری، خود ابزاری برای عرضه انبوه کالاها و خدمات با هزینه کمتر می‌باشد، اما این ابزار فقط در انحصار شماری از عرضه‌کنندگان نمی‌باشد و به سرعت در سطح بین‌المللی پخش می‌شود. خلاقیت و مهارت‌های مدیریتی به کمک بهره‌گیری از علوم و فناوری نوین در عصر معاصر شرایطی را ایجاد کرده که هزینه‌های تجاری نیز قابل نزول می‌باشد و این خود ابزاری برای خلق مزیت نسبی است.

نشریه «بررسی‌های بازرگانی» به منظور آشنایی صادرکنندگان کالاها و خدمات با راه‌های افزایش کارایی تجاری که تازه‌ترین شیوه خلق مزیت نسبی است، سلسله مقالاتی را در این خصوص تهیه کرده است که نخستین بخش آن در این شماره به چاپ می‌رسد.

رتال جامع علوم انسانی

در گذشته نه چندان دور، مزیت نسبی در تجارت از دسترسی آسان به نیروی کار و منابع زیرزمینی و مواد اولیه ارزان تحصیل می‌شد و کشورهای دارای منابع نیروی انسانی یا مواد اولیه سرشار، به خودی خود از مزیت نسبی در تجارت مواد اولیه و نیز کالاهای ساخته شده با این مواد، برخوردار می‌گردیدند.

اما شرایط کنونی تجارت بین‌المللی با چند دهه پیش تفاوت اساسی کرده است. امروزه سیاست‌گزاران، برنامه‌ریزان و مدیران در سطح خرد و کلان اقتصاد ملی به ایجاد مزیت نسبی مبادرت می‌ورزند و از این طریق بدون نیاز به نیروی کار و مواد اولیه فراوان و ارزان، قادر به رقابت در عرصه بین‌المللی شده‌اند.

ژاپن نمونه بارز این مقوله است. این کشور بدون در اختیار داشتن منابع و مواد اولیه کافی، فقط با نظام مدیریتی کارآمد، توانسته است در رقابت بین‌المللی سهم بسزایی کسب کند. حتی مقایسه توانمندی‌های اقتصادی ژاپن و آمریکا، به خوبی نشان می‌دهد که اقتصاد ژاپن با بهره‌گیری از مدیریت موفق خود

توانسته است کارآیی تجاری خود را ارتقا دهد و دست‌کم در دو دهه گذشته بارها شاهد نزاع اقتصادی میان ژاپن و آمریکا و تهدیدهای آمریکا علیه این کشور بوده‌ایم.

رقابت جدی در عرصه بین‌المللی برای کسب سهم بیشتر از بازار جهانی، مقوله اصلی موردنظر سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان اقتصادی است. زیرا که قدرت اقتصادی، قدرت و برتری سیاسی را نیز به دنبال دارد.

به عقیده کارشناسان اقتصاد بین‌المللی، افزایش کارآیی تجاری، شیوه نوین خلق مزیت نسبی در اواخر قرن بیستم و در قرن بیست و یکم تلقی می‌شود.

امروزه در اقتصادهای پیشرفته صنعتی نیز امکان کاهش هزینه تولید به لحاظ مقررات کار، محیط زیست و... تا حدودی از بین رفته است. در همین حال صرفه حاصل از کاربرد روش‌های نوین تجاری، حتی از صرفه ناشی از تغییر فناوری پیشی گرفته است.

بر اساس برآورد کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (انکتاد) با به کارگیری شیوه‌های تسهیل تجاری می‌توان هزینه‌های مبادله را حدود ۱۰ درصد کاهش داد. با توجه به تبادل بین‌المللی کالاها در سطح سالانه بیست و پنج تا سی درصد از ۵/۰ تریلیون دلار.

صرفه‌جویی ۲۵ درصدی در هزینه‌های تجاری از طریق به‌کارگیری شیوه‌های تسهیل تجاری، سالانه بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار می‌شود که رقم بسیار چشمگیری است. در این شرایط، کشورهایی که در به‌کارگیری شیوه‌های تسهیل تجاری پیشقدم شده‌اند، خواه و ناخواه قادر به کسب سهم بیشتر در تجارت جهانی می‌باشند.

به عقیده کارشناسان انکتاد، برای دستیابی به هدف افزایش کارآیی تجاری، اقدام در دو محور اصلی یعنی «اطلاع‌رسانی بازرگانی» و «تسهیل تجاری» ضروری است.

با شکستن انحصار اطلاعات، زمینه رقابت و ارتقاء بهره‌وری افزایش می‌یابد و عدالت اجتماعی بهتر تحصیل می‌گردد.

در «تسهیل تجاری» نیز چهار اقدام عمده ضروری است که استفاده از شیوه‌های نوین بازرگانی از جمله کاربرد خط نماد (بارکد) بهره‌گیری از استاندارد مبادله الکترونیکی اطلاعات (EDI)، انجام معاملات به صورت الکترونیکی و بودن کاغذ (E-Commerce) و نیز اصلاحات ساختاری نظام تجاری و ساماندهی نظام اقتصادی با حفظ اختیار و مسؤلیت دولت در هدایت و سیاست‌گذاری و نظارت بر امور اقتصادی و گسترش زمینه‌های

مشارکت مردم در تصدی امور اقتصادی و بازرگانی می‌باشند که حایز اهمیت زیادی هستند.

به عقیده کارشناسان، تحقق افزایش کارآیی تجاری نیازمند گام دیگری در ایجاد ارتباط قانونمند، اثبات و رشدیابنده با سازمان‌های اقتصادی و تجاری بین‌المللی یعنی اتحادیه‌های منطقه‌ای و بازارهای هدف نیز می‌باشد.

گام دیگر تأمین مقررات جاری عملیات تجاری کشور است. به نحوی که ضمن حفظ ثبات در مقررات، بتوان از تشریفات اداری حاکم بر بازرگانی کاست و جریان امور تجاری را تسریع و تسهیل نمود.

کارشناسان انکتاد، توصیه‌ها و رهنمودهایی را برای افزایش کارآیی تجاری ارائه کرده‌اند که مباحث گوناگونی را دربرمی‌گیرد. بحث‌های مربوط به فعالیت‌های کلان اقتصادی از جمله برنامه‌ریزی راهبردی، تشریفات گمرک، فناوری اطلاعات، مدیریت مخاطره (ریسک)، همکاری با بازرگانان، مسایل حمل و نقل و عبور کالا (ترانزیت)، خدمات مالی نظیر بانکداری و بیمه، تأمین مالی تجارت، خدمات مدیریتی مخاطرات مالی غیراعتسباری، تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی (مستقیم و مشارکتی) و... از مباحث عمده موردنظر کارشناسان در امر افزایش کارآیی تجاری است.

در همین راستا، نقش دولت در تشویق کارآیی تجارت و خدمات مالی، تهیه و تنظیم مقررات تسهیل کننده، هماهنگی قوانین مالیه مربوط به تجارت با استانداردهای بین المللی، سیستم نرخ ارز و... حایز اهمیت است. کارشناسان انکتاد برای افزایش کارآیی تجاری به ویژه برای کشورهای در حال توسعه که سهم کمتری در تجارت جهانی دارند و با مایل اجتماعی گوناگون نظیر بیکاری و فقر دست به گریبان هستند، توصیه‌ها و رهنمودهایی ارائه کرده‌اند که توجه به آنها از سوی مدیران بنگاه‌های اقتصادی و سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان اقتصاد ملی، ضروری است. آنها همچنین رهنمودهایی در خصوص شیوه‌های تسهیل تجاری دارند که مباحث مربوط به جریان اطلاعات، مبادله الکترونیکی داده‌ها، مقررات کلی برای تسهیل تجارت، اقدامات مرتبط با کنترل‌های رسمی، اقدامات مربوط به رویه‌های پرداخت، حمل و نقل و عبور کالا (ترانزیت) و خدمات بیمه را دربرمی‌گیرد. شیوه‌های تسهیل تجاری که می‌بایست از سوی مدیران دولتی و نیز مدیران بنگاه‌های اقتصادی ایجاد شود و مورد بهره‌برداری قرار گیرد، این امکان را فراهم می‌سازد که تجارت با سرعت و اطمینان بیشتر تحقق پیدا کند.

ضرورت ایجاد امنیت اقتصادی

رقابت در عرصه‌های بین المللی تحت تأثیر گسترش علوم مدیریتی و فناوری، روزبه‌روز دشوارتر می‌شود. در این میان عرضه کنندگان کالاها و خدمات در شرایطی می‌توانند قدرت رقابت خود را حفظ و تقویت کنند که قادر باشند از علم مدیریت، بهره‌وری و کارآیی و فناوری روز به نحو مطلوب استفاده کنند و با حفظ و ارتقای کیفیت تولیدات خود، قیمت تمام شده کمتری را به دست آورده و به مشتریان ارایه نمایند.

مزیت‌های مطلق و نسبی که زمانی اساس رقابت در بازارهای جهانی را تشکیل می‌داد و برپایه دسترسی به نیروی کار و مواد اولیه ارزان و فراوان شکل می‌گرفت، اینک تحت تأثیر پیشرفت علوم و فناوری، مدیریت منابع و نیروی انسانی و گسترش روزافزون تبادل کالا و سرمایه و... قرار گرفته است. در این شرایط، کمتر کشوری می‌تواند به دارا بودن منابع غنی مواد اولیه متکی باشد و گوی رقابت را از رقیبان خود بریابد.

مدیریت در جامعه تولید و تجارت نه تنها در سطح خرد، بلکه در سطح کلان نیز حایز اهمیت است. در سطح کلان، دولت به منظور تقویت بنیه رقابت اقتصاد ملی می‌بایست به

اصلاحات ساختاری به ویژه در «پایگاه قانون» مبادرت ورزد تا بتواند زمینه‌های مساعد برای بهره‌برداری از استعدادهای بالقوه اقتصادی را فراهم کند. در این شرایط حمایت مستمر از تولیدات داخلی با کشیدن حصارهای موانع تجاری و گمرکی، اقدامی منسوخ و محکوم به شکست است، بلکه می‌بایست حمایت‌های تجاری و تولیدی در کوتاه‌مدت، زمینه رقابت بلندمدت بنگاه‌های اقتصادی را فراهم سازد.

از سوی دیگر، حصارهای موانع تجاری و گمرکی، بنگاه‌های اقتصادی را در انزوا قرار داده و انگیزه‌های ارتقای کارآیی و بهره‌وری را با اتکا به بازار داخلی از بین می‌برد و توسعه بلندمدت بنگاه‌ها را مختل می‌سازد.

فرآیند جهانی شدن اقتصاد و تجارت، رویکردی در قبال حمایت‌های داخلی و بازرگانی است که در شرایط رقابت کامل و از بین رفتن انحصارها قادر است، اقتصاد جهانی را به سوی کارآیی بیشتر سوق دهد. در همین حال این فرآیند بنگاه‌هایی را که از قافله رقابت عقب بمانند و قادر نباشند با قیمت‌های جهانی به عرضه کالاها و خدمات پردازند، به تعطیلی می‌کشاند.

از این رو ضرورت دارد اصلاحات در تمام زمینه‌های خرد و کلان اقتصاد از سوی دولتمردان و

سیاست‌گزاران و نیز مدیران بنگاه‌های اقتصادی دنبال شود تا در نهایت توان رقابت اقتصاد ملی تقویت و سهم در تجارت جهانی افزایش یابد.

ایجاد زمینه‌های قانونی مناسب برای تبادل آزاد نیروی کار، سرمایه، علوم و فناوری ضروری است و کشورهای که قادر باشند این زمینه‌ها را مهیا سازند، می‌توانند از مزیت‌های نسبی اقتصاد ملی‌شان برای جذب سرمایه‌گذاری و فناوری روز بهره‌گیرند و قدرت رقابت خود را در عرصه‌های بین‌المللی تقویت کنند.

فقدان پایگاه قانونی مناسب و به عبارتی امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری، یکی از عوامل بسیار مهم در تهدید کارایی اقتصادی است. زیرا نه تنها مانع جذب سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود، بلکه سرمایه‌گذاران داخلی را نیز در نگرانی و بیم قرار داده و از جریان سرمایه به فعالیت‌های اقتصادی جلوگیری می‌کند و چه بسا زمینه‌های فرار سرمایه از اقتصاد ملی را نیز ایجاد نماید.

از این رو، دولت در نخستین گام برای ارتقای کارایی اقتصاد ملی، می‌بایست پایگاه قانونی و امنیت اقتصادی ضروری برای جامعه را در چارچوب قانون مدنی ایجاد و حفظ کند تا بتواند سرمایه‌گذاران داخلی و

خارجی را به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی مولد سوق دهد. در کشورهای که ضوابط و مقررات حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی و تجاری پیچیده و فشرده است، اغلب سرمایه‌گذاران قادر به درک صحیح از قانون نخواهند بود و فرآیند پیچیده تشریفات اداری زاید و دست‌وپاگیر، انگیزه و رغبت سرمایه‌گذاران را از بین می‌برد. در این راستا دولت باید در نظر بگیرد که رقبای بسیاری در جهان وجود دارند که برای جذب سرمایه‌گذاران، شرایط سهل‌تر و تسهیلات بیشتری قایل می‌شوند و سرمایه‌گذاران در پی کسب منافع بیشتر از فعالیت‌هایشان، این بازارهای آماده و جذاب را انتخاب می‌کنند.

بنابراین امنیت اقتصادی در چارچوب قانونی مناسب، مهمترین رکن ارتقای کارایی اقتصاد ملی است که شرایط رقابتی برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی را ایجاد می‌کند. به عبارتی باید گفت، امروزه رقابت فقط در سطح خرد اقتصادی (بنگاه‌های اقتصادی) مطرح نیست، بلکه در سطح کلان، دولت‌ها برای گسترش توان اقتصاد ملی و دستیابی به رشد و توسعه پایدار و نیز حل معضلات داخلی (نظیر بیکاری و تنش‌های اجتماعی ناشی از آن، مبارزه با تورم و فقرزدایی و...) به

رقابتی فزاینده فراخوانده شده‌اند که می‌بایست با درنظر گرفتن فرآیند جهانی شدن، آمادگی‌های لازم را در درون اقتصاد ملی و در چارچوب قوانین و مقررات شفاف و سهل فراهم آورند.

در چارچوب بحث کارایی اقتصادی، عوامل بسیاری قابل طرح و بررسی است که در اینجا فقط به یک عامل مدیریت اشاره کردیم.

مدیریت در سطح خرد (بنگاه‌های اقتصادی) نیز برای تقویت بنیه رقابت و حفظ آن در بلندمدت، عامل مهم دیگری است که ضمن نیاز به اصلاحات کلان که از سوی مدیریت دولت در جامعه اعمال می‌شود، خود می‌بایست به علوم مدیریتی نوین مجهز گردد تا با بهره‌گیری از فضای مساعد و قانونی، قادر باشد فرآیند عرضه کالاها و خدمات با کیفیت مطابق با استانداردهای بین‌المللی و قیمت‌های رقابتی را ممکن و میسر سازد.

از آنجا که بحث مدیریت خرد برای ارتقای بهره‌وری و کارایی بنگاه اقتصادی به عوامل بسیاری بستگی دارد، در آینده مباحث گوناگون در ارتباط با این مقوله را پی خواهیم گرفت.